

تقدیم به آنانکه به عقل، به دیدهٔ پیامبر درون می نگرند

تقدیم به آنانکه به منافع ملی، ملی می اندیشند

تقدیم به آنانکه به آهنگ رشد و توسعه در جهان، بی تفاوت نیستند

تقدیم به آنانکه به دنیا همانگونه که هست، نه آنچنانکه دوست دارند

باشد، می نگرند

و تقدیم به آنانکه با بذل گوهر جان، به اندیشهٔ حفظ کشور جاودانگی

بخشیدند و تلاش برای حفظ و اعتلای میهن را مقدس ساختند.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۳
پیش‌گفتار.....	۲۳

فصل اول: چارچوب نظری

۱) ماهیت سیاست خارجی	۳۱
۲) چارچوب تحقیق.....	۳۴
۳) اهداف سیاست خارجی	۴۳
۴) ابزارهای تحقق سیاست خارجی	۴۷
۴-۱) دیپلماسی.....	۴۸
۴-۲) ابزارهای اقتصادی	۴۹
۴-۳) ابزارهای فرهنگی و تبلیغاتی	۵۰
۴-۴) ابزارهای نظامی	۵۱
۵) نحوه مطالعه سیاست خارجی	۵۲
جمع‌بندی.....	۵۴
منابع فصل اول	۵۵

فصل دوم: بسترهای شکل گیری سیاست خارجی

- ۱) موقعیت ژئوپلیتیکی ۶۱
- ۱-۱) ناحیه یا منطقه ژئوپلیتیکی و کارکرد سیاسی ۶۴
- ۲-۱) عوامل جغرافیایی مؤثر بر سیاست خارجی ایران ۶۶
- ۳-۱) تأثیر عوامل سیاسی بر سیاست خارجی ایران ۶۷
- ۴-۱) تأثیر عامل قدرت بر سیاست خارجی ۶۷
- ۵-۱) تأثیر عوامل ژئوپلیتیک بر سیاست خارجی ایران ۶۸
- ۶-۱) چالشهای فرا روی ایران برای تبدیل شدن به قدرت هژمون در منطقه آسیای جنوب غربی ۷۰
- ۲) عوامل ایدئولوژیک ۷۴
- ۱-۲) صف آرایی ۷۵
- ۲-۲) مشروعیت بخشی ۷۶
- ۳-۲) موضع گیری ۷۷
- ۴-۲) دریافت یا ادراک ۷۷
- ۳) عوامل فرهنگی و تاریخی ۷۸
- ۳-۱) روحیه استقلال طلبی ۷۸
- ۳-۲) روحیه ملی گرایی و برخورداری از تمدن کهن ۷۹
- ۳-۳) تجربه نتیجه بخشی مقاومت در برابر فشارها ۸۰
- ۴) عوامل اقتصادی ۸۱
- ۱-۴) مسائل و مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ ۸۱
- ۲-۴) نفت ۸۲
- ۳-۴) انرژی هسته‌ای ۸۳
- ۴-۴) کمکها و وامهای خارجی ۸۳
- ۵) عوامل روانشناختی ۸۴

۱-۵	حساسیت به مسأله استقلال	۸۴
۲-۵	احساس منحصر به فرد بودن	۸۴
۳-۵	بدبینی نسبت به عملکرد قدرت‌های مسلط و موضوع توطئه.....	۸۵
۴-۵	فرهنگ عشیره‌ای.....	۸۶
۵-۵	الهام از امام حسین علیه السلام و عاشورا.....	۸۷
۶	عوامل سیاسی	۸۸
۱-۶	عوامل داخلی.....	۸۸
۱-۱-۶	انسجام مذهبی و سیاسی ایران	۸۸
۲-۱-۶	فرایند تصمیم‌گیری در ایران	۸۸
۳-۱-۶	رهبری.....	۸۹
۴-۱-۶	منافع ملی	۸۹
۲-۶	عوامل سیاسی بین‌المللی	۹۰
۱-۲-۶	ساختار نظام بین‌الملل	۹۰
۲-۲-۶	رفتار بازیگران بین‌المللی	۹۱
۳-۲-۶	تصویر ایجاد شده از ایران در نظام بین‌الملل.....	۹۱
۷	عوامل نظامی و امنیتی	۹۳
۱-۷	ثبات امنیتی و همبستگی ملی	۹۳
۲-۷	انجام فعالیت‌های براندازانه و جاسوسی برضد ایران	۹۳
۳-۷	حضور نظامی قدرتهای فرا منطقه‌ای در کشورهای همسایه	۹۴
۴-۷	ایجاد ائتلافها و اتحادهای منطقه‌ای علیه ایران	۹۴
	جمع بندی.....	۹۵
	منابع فصل دوم.....	۹۸

فصل سوم: اهداف و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	
۱) اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.....	۱۰۷
۱-۱) اهداف و مقاصدی که در بر گیرنده ملاحظات انقلابی جمهور	
اسلامی ایران هستند.....	۱۰۸
۱-۱-۱) تلاش در جهت تشکیل امت واحد.....	۱۱۰
۱-۱-۲) حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران.....	۱۱۱
۱-۱-۳) دفاع از حقوق مسلمانان.....	۱۱۲
۱-۱-۴) دعوت به اسلام.....	۱۱۳
۱-۱-۵) عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه گر.....	۱۱۴
۲) اهداف و مقاصدی که ناظر بر حفظ و صیانت منافع ملی و هویت	
ملی ایران هستند.....	۱۱۵
۱-۲-۱) رفاه اقتصادی.....	۱۱۶
۲-۲-۱) امنیت ملی.....	۱۲۰
۳-۲-۱) ارتقای جایگاه کشور در نظام بین الملل.....	۱۲۳
۲) اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.....	۱۲۶
۱-۲) همزیستی مسالمت آمیز.....	۱۲۶
۲-۲) حفظ و پاسداری از استقلال و تمامیت ارزی.....	۱۲۸
۳-۲) تنش زدایی.....	۱۲۹
۴-۲) اعتماد سازی.....	۱۳۰
۵-۲) چند جانبه گرایی.....	۱۳۲
جمع بندی.....	۱۳۵
منابع فصل سوم.....	۱۳۹

فصل چهارم: نهادهای تأثیر گذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

۱۴۵	 نهادهای مستقیم تأثیر گذار
۱۴۶	 (۱-۱) مقام رهبری
۱۴۹	 (۲-۱) ریاست جمهوری
۱۴۹	 (۳-۱) هیأت دولت
۱۵۰	 (۴-۱) مجلس شورای اسلامی
۱۵۲	 (۵-۱) شورای عالی امنیت ملی
۱۵۴	 (۶-۱) شورای نگهبان قانون اساسی
۱۵۵	 (۷-۱) مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱۵۶	 (۸-۱) شورای راهبردی روابط خارجی
۱۵۷	 (۹-۱) نهادهای نظامی و امنیتی
۱۶۰	 (۱۰-۱) وزارت امور خارجه
۱۶۵	 (۲) نهادهای غیر مستقیم تأثیر گذار بر روند سیاست خارجی کشور
۱۶۵	 (۱-۲) رسانه‌ها
۱۶۷	 (۲-۲) افکار عمومی
۱۶۸	 (۳-۲) شخصیت‌های با نفوذ اجتماعی
۱۶۹	 (۴-۲) گروه‌های ذی نفوذ (فشار)
۱۷۰	 (۵-۲) ائمه جمعه و جماعات
۱۷۱	 (۶-۲) مراجع تقلید، علمای عظام و نهاد روحانیت
۱۷۶	 (۷-۲) مراکز و نهادهای دینی و فرهنگی
۱۷۷	 (۸-۲) لابی‌های سیاسی
۱۷۸	 (۹-۲) نهادهای اقتصادی
۱۷۹	 (۱۰-۲) نهادها و سازمان‌های قضایی

۱۲ ♦ کالبد شکافی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

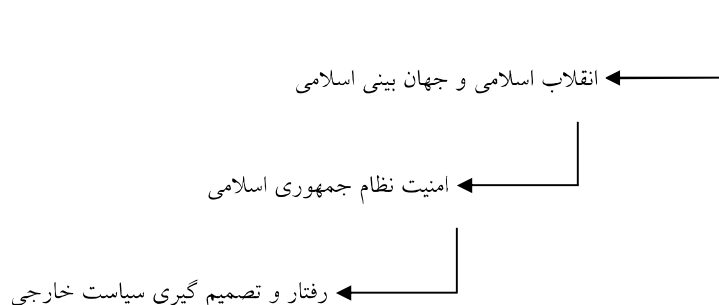
۱۸۱	جمع بندی
۱۸۵	منابع فصل چهارم
۱۹۳	جمع بندی نهایی و ارائه پیشنهادات
۱۹۹	منابع و مآخذ
۲۱۳	فهرست اعلام

مقدمه _____

مقدمه

به نظر می‌رسد سیاست خارجی جمهوری اسلامی در تمامی مقاطع پس از انقلاب بر سه استوانه کلیدی بنا شده است: الف: تجربیات تلخ ایرانیان در تاریخ روابط خارجی قاجار و پهلوی، ب: جهان بینی و تفکر اسلامی و ج: تأمین امنیت نظام جمهوری اسلامی ایران. در واقع، ترتیب اثرگذاری تاریخی و سیر تکاملی تأثیر گذاری بر روند شکل گیری سیاست خارجی نیز به صورت فوق می باشد. به عبارت دیگر: تجربیات تلخ تاریخی و دخالت بیگانگان در امور داخلی و سرنوشت ملت ایران منجر به نهضت‌های ضد خارجی و از همه بارزتر و مؤثرتر نهضت اسلامی گردید. سپس، جهان‌بینی اسلامی و تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی، منابع مهمی در تصمیم‌گیریهای سیاست خارجی و جهت‌گیریهای آن شد. نکات فوق را در تصویر ذیل نشان می‌دهیم:

تجربیات منفی ایرانیان در دخالت بیگانگان



یکی از بنیادی ترین پایه‌های انقلاب اسلامی مخالفت با دخالت خارجی‌ها در امور داخلی ایران است. پیرو این مبنا، ارتباط از هر نوع آن با خارج در دوران پس از انقلاب دچار چالش و مشکل گردید و باعث شد که در زمینه‌های اقتصادی، صنعتی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و روابط خارجی ایرانیان پس از سالهای ۱۳۵۷ رو به نزول رود. پایگاه نظری این واقعیت نیز در بحث خودکفایی طراحی گردید و شاید هنوز هم در لابلای جریانهای سیاسی و فکری کشور، نظریه جهان ستیزی و متکی بودن کامل به امکانات و نیروهای داخلی زنده و حتی در عمل قابل ردیابی باشد. نکته قابل توجه در این رابطه این است که همزمان با تحقق انقلاب اسلامی در ایران، موج جدید جهانی شدن شامل کشورهای صنعتی و در حال توسعه گردید و در اوائل دهه ۱۹۸۰ میلادی، کشورهایی مانند چین، مالزی، مکزیک، برزیل و ترکیه از یک طرف و حتی فرانسه، انگلستان، آمریکا و آلمان از طرف دیگر، ارتباطات بین المللی، اقتصادی و سیاسی خود را تنگاتنگ تر کردند. صادرات آمریکا از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۴ دو برابر گردید و چین از ۲۰ میلیارد دلار صادرات در سال ۱۹۸۰ به ۹۸۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۴ ارتقاء پیدا

کرد. مالزی و ترکیه در سطح بین الملل از اهمیت اقتصادی بهره‌مند شدند و شاید از همه جذابتر، امارات متحده عربی به نمونه‌ای از رشد و توسعه اقتصادی در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه تبدیل گشت. به عبارت دیگر، همزمان با اجرای نظریه خودکفایی در ایران، جهان سوم و جهان صنعتی به مشارکت در حاکمیت ملی خود با دیگران پرداختند و دولتها کوچکتر شدند و سرنوشت اقتصادی ملتها به اقتصاد بین الملل گره خورد. در دوره خودکفایی که تا سالهای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ در رفتار سیاسی ایران جاری بود، سیاست خارجی جمهوری اسلامی عمدتاً بر پایه‌های عقیدتی و دینی عمل می‌کرد و با سیاست خارجی متعارف جهانی که مبتنی بر تأمین منافع اقتصادی و مالی و توسعه‌ای بود فاصله استراتژیک داشت. کمک به شیعیان، مبارزه با حضور و نفوذ امریکا در کشورهای اسلامی و بسط اندیشه استقلال طلبی اسلامی و حذف حکومت‌های دیکتاتوری در منطقه؛ جهت‌گیری سیاست خارجی ایران را مشخص می‌نمود که حاکی از جهان بینی اسلامی و تفکر دینی بود. مؤلفه‌های تصمیم‌گیری طی سالهای ۶۹-۱۳۵۷ تحت تأثیر بنیانهای انقلاب اسلامی و رسالت اندیشه دینی در میان مسلمانان بود. پان اسلام‌یسم به طور روشنی بر اندیشه منافع ملی برتری داشت و شاید بتوان تحلیل کرد که نقش فرد در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی این دوره بسیار محدود بود و اندیشه و جهان بینی، حاکمیت قابل توجهی بر مجاری و نهادهای تصمیم‌گیری سیاست خارجی داشت. تا این مقطع به نظر می‌رسد سیاست خارجی جمهوری اسلامی صرفاً بر واقعیات بیرون از مرزها توجه داشت و رابطه آکسیوماتیک سیاست خارجی و سیاست داخلی وجود نداشت. به عبارت دیگر تا این مقطع سیاست خارجی، مستقل از واقعیات درون ایران عمل می‌کرد. اما از سالهای ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۴ در دو دوره ریاست جمهوری، سیاست خارجی تحت تأثیر نظام داخلی قرار گرفت و مؤلفه‌های

تصمیم‌گیری سیاست خارجی متأثر از واقعیات اقتصادی (۱۳۷۶-۱۳۶۹) و واقعیات سیاسی و جامعه مدنی (۱۳۸۴-۱۳۷۶) گردید. در ۱۲ سال اول انقلاب، تصمیم‌گیری سیاست خارجی از برون به برون بود و در ۱۶ سال بعد، از درون به بیرون بود. در این مدت ۱۶ سال آرمانها بر فضای فکری و رفتاری سیاست خارجی جمهوری اسلامی همچنان سایه افکنده بودند؛ اما محتوا، جمله بندیها، فرمول بندیها، پیچیدگیهای داخلی و نحوه اجرای آنها تحت تأثیر نظام داخلی و مقتضیات آن قرار گرفت. در واقع، در مدت ۱۶ سال، حفظ نظام و امنیت نظام و حل و فصل مسائل نرم کشور اولویت پیدا کرد. ضمن اینکه بخشی از توجه سیاست خارجی همچنان به مسائل دهه اول انقلاب بود. از یک سو، ساختارهای نرم مانند اقتصاد، نفت، برنامه و بودجه و آموزش، مقتضیات خود را داشت و از سوی دیگر نهادهای برخاسته از انقلاب مانند سپاه پاسداران و نهادهای انقلابی نیز ضروریات خود را داشتند. در طول ۱۶ سال، مدیران ارشد کشور نوعی تعادل و تعامل و تقسیم انرژی میان دو نوع نهاد در ساختار تصمیم‌گیریهای خارجی کشور را مراعات و اجرا کردند زیرا ضمن اینکه پان اسلامیسیم انقلاب باید حفظ می‌شد، و نیازهای جاری جامعه نیز در حال رشد بود و جمعیتی که پس از انقلاب دو برابر شده بود، باید مدیریت می‌گردید. بنابراین، حفظ نظام و امنیت نظام به طور محسوسی در گفتمانها و عملکردها نمایان بود. با گسترش طیف و تعدد مسائل داخلی، سیاست خارجی در طی ۱۶ سال از حکم "رسالت خارجی" به سوی "ابزار" حفظ نظام و تأمین امنیت ملی نظام جمهوری اسلامی ایران تبدیل گشت. شاید با استفاده از متون تخصصی علم سیاست بتوان گفت که ایسم‌های خارجی به سوی بحث منابع ملی حرکت کردند.

موضوعی که شاید بیش از هفتاد درصد وقت و انرژی سیاست خارجی جمهوری اسلامی را از سال ۱۳۶۹ به بعد به خود اختصاص داده، تقابل میان ایران و آمریکاست. مدیریت تقابل با آمریکا، محوری ترین موضوع سیاست خارجی جمهوری اسلامی در این دوره بوده است. کانون استراتژی ایران در دور نگه داشتن آمریکا از حریم جغرافیایی و سیاسی جمهوری اسلامی بوده است. واقعیت این است که منافع منطقه‌ای آمریکا با منافع نظام جمهوری اسلامی، حداقل اشتراک را دارد و تلاشهای آمریکا برای نزدیکی به ایران بمنظور تأثیرگذاری بر جهت گیری‌ها و ماهیت سیاست گذاری‌های جمهوری اسلامی بوده است که در مجموع ناموفق می‌باشد. همچنان که آمریکا از طریق تحریم و فشارهای بین المللی اهتمام دارد تا استراتژی سد نفوذ خود را پیرامون ایران به کار گیرد. در مقابل نیز جمهوری اسلامی سعی کرده است تا از طریق فلسطین، لبنان، عراق و افغانستان استراتژی سد نفوذ خود را پیرامون آمریکا به اجرا گذارد. در مقیاس پائین تر، تقابل ایران و آمریکا در طی شانزده سال و حتی بعد از آن، نمونه‌ای از جنگ سرد میان آمریکا و شوروی بوده است. تقابل آمریکا با ایران، سیاست خارجی جمهوری اسلامی را به سمت حفظ نظام و حفظ امنیت ملی نظام سوق داده است و در واقع سطح روابط خارجی ایران را به خصوص پس از ۱۱ سپتامبر در حوزه‌های امنیتی حفظ کرده است. گرچه روسیه و چین با آمریکا اختلافات سیاسی دارند ولی سطح روابط در حد تضادهای امنیتی نیست در حالی که سطح تقابل ایران و آمریکا به مراتب فراتر از مناسبات سیاسی است و حالت امنیتی دارد؛ به طوریکه در طول ۵ سال گذشته موضوع تقابل نظامی به طور گسترده میان دو کشور مطرح بوده است. اینکه بعضاً در سخنرانیها و رسانه‌های جمهوری اسلامی گفته می‌شود که اگر جمهوری اسلامی همچنان

که هست و با آرمانها و ماهیت نهادها و ساختارها و مدیرانی که دارد بخواهد با آمریکا تعامل کند و حتی همزیستی مسالمت آمیز داشته باشد "دیگر جمهوری اسلامی نیست" سخنی درست است. به همین دلیل از طریق موضوعاتی مانند فلسطین، افغانستان، لبنان و عراق سعی شده است تا آمریکا فاصله استراتژیک خود را از ایران حفظ کند و اجازه پیدا نکند به ایران و حریم‌های سیاسی و امنیتی و جغرافیایی آن نزدیک شود. زیرا ماهیت و ساخت دو سیستم غیر متقارن هستند. در واقع بحث فوق این معنا را با خود به همراه دارد که ساختارها، افراد، نهادها و اندیشه‌ها همه بخاطر حفظ نظام و امنیت نظام هستند. موضوعات بیرون از جغرافیای جمهوری اسلامی نیز تحت تأثیر بحث، موضوع، هدف و محوریت حفظ نظام قرار دارد و بنظر می‌رسد که این روند ادامه خواهد داشت. آمریکا و مشتقات آن مانند اسرائیل، شورای امنیت سازمان ملل، بانک‌ها و متحدین آمریکا در منطقه و خارج از منطقه جدی‌ترین تهدید برای جمهوری اسلامی ایران هستند. از اینرو، سیاست خارجی جمهوری اسلامی تحت تأثیر این تقابل است و مجموعه اقتصادی، اجتماعی، نظامی و امنیتی آن با این محوریت مدیریت می‌شوند. در متون علم سیاست هم به روشنی گفته می‌شود که بقای یک سیستم، مهمترین هدف سیاست خارجی آن است.

بنابراین، سیاست خارجی ایران در اختیار روابط اقتصاد خارجی آن نیست و حتی گسترش فرهنگ و زبان و ادبیات ایرانی و آرمانهای برخاسته از انقلاب نیز تحت تأثیر مسائل امنیتی میان ایران و آمریکاست. بسیاری از کشورها نیز روابط خود با جمهوری اسلامی را با شاقول ایران و آمریکا تنظیم می‌کنند. در این راستا، کتاب جناب آقای سید حمزه صفوی اثری ارزشمند در متبلور کردن پیچیدگی‌های ساختارها و مجاری تصمیم‌گیری در سیاست

مقدمه ♦ ۲۱

خارجی جمهوری اسلامی ایران عرضه می دارد. پژوهش ایشان جامعیتی قابل توجه از طیف دیدگاه‌ها و ابزارها و نهادها را ارائه می‌دهد. امید است که زحمات ایشان که شامل کار میدانی نیز می‌باشد مورد توجه علاقمندان به سیاست خارجی ایران و مباحث نظری و عملی آن قرار گیرد.

محمود سریع‌القلم
استاد دانشگاه شهید بهشتی
تیر ماه ۱۳۸۷

پیش‌گفتار

مطالعه پیرامون مباحث مربوط به سیاست خارجی کشورها یکی از حوزه‌های مهم در علم روابط بین‌الملل می‌باشد و در این راستا، تحقیق در چگونگی شکل‌گیری سیاست خارجی کشورها و تلاش برای تجزیه و تحلیل رفتار دولت‌ها در نظام بین‌الملل از اهمیت خاصی برخوردار است. عوامل مختلفی در تدوین سیاست خارجی کشورها دخالت دارند. وزن هر کدام از این عوامل با توجه به نوع حکومت و فرهنگ سیاسی جوامع مختلف، متفاوت است. ایران نیز با توجه به ساختار منحصر به فرد حکومت، ملت و موقعیت ژئوپلیتیکی آن، دارای ویژگی‌های خاصی می‌باشد که شناخت سیاست خارجی آن بدون در نظر گرفتن این ویژگی‌ها، ناقص خواهد بود.

ساختار پیچیده نظام سیاسی ایران، قرار گرفتن اهداف ایدئولوژیک انقلاب در کنار واقعیات ملموس و مقتضیات بین‌الملل، موقعیت منحصر به فرد ایران در منطقه و مجموعه گسترده نهادها، گروه‌ها، اشخاص و شرایط

محیط داخلی و خارجی و اقتضائات ساختاری نظام جمهوری اسلامی ایران، شناخت و تحلیل سیاست خارجی آنرا با مشکل روبرو می سازد. آنچه که در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تا کنون مطالعه و تحقیق شده در یک دسته بندی کلی عبارت است از:

الف) مبانی و اصول سیاست خارجی ایران از لحاظ نظری.

ب) توصیف و تحلیل خروجی تصمیمات.

ج) تبیین سیاست خارجی کشور بر اساس رویکرد توجیهی و تبلیغاتی.
 د) ارزیابی تصمیماتی که در زمینه سیاست خارجی ایران اتخاذ شده و میزان تأثیر، موفقیت یا عدم موفقیت، بازتابها و عکس العملها در برابر آن. بدین ترتیب، ویژگی و شاخصه عمده کتابهایی که به بحث سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته اند، این است که به عوامل سیاسی تأثیرگذار بر روند سیاست خارجی اشاره کرده اند و درحاشیه آن، از بحث «نهادهای رسمی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» سخن به میان آورده اند؛ ولی در این منابع کتابخانه‌ای، کمتر به سیاست خارجی ایران از زاویه مجموعه عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی و بویژه نهادهای غیر مستقیم تأثیرگذار بر جهت گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و نیز مجموعه عواملی که زمینه‌های شکل‌گیری سیاست خارجی کشور را بوجود می آورند، پرداخته شده است.

این کتاب آغاز تلاشی خواهد بود در راستای روشن ساختن ابعاد مختلف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. در این مجموعه سعی خواهد شد با دیدی واقع نگرانانه و اجرایی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار دهیم.

در این راستا، تا آنجا که ممکن بود از طریق مطالعه منابع موجود و بررسی کتب، مقالات و مکتوبات در دسترس، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری

شده است. اما از آنجا که بخش قابل توجهی از مطالب به مسائل اجرایی و واقعیت‌های عینی در روند سیاست خارجی کشور اختصاص داده شده است و آثار مکتوبی در این زمینه وجود ندارد، حجم زیادی از اطلاعات کتاب، از تجربیات، نظرات و مکنونات قلبی مسئولین، تأثیر گذاران و صاحب نظران عرصه سیاست خارجی جمع آوری شد. با توجه به مجموع ملاحظات خاص سیاسی و امنیتی که وجود دارد و با توجه به حساسیت موضوع این پژوهش، مشکلات زیادی برای گرفتن مصاحبه‌ها وجود داشت که موجب شد وقت و انرژی زیادی صرف آن شود، ولی در نهایت بیش از ۳۵ مصاحبه با محوریت مباحث اصلی این تحقیق انجام گرفت که پیوند مباحث نظری با تجربیات عملی مسئولین و صاحب نظرانی چون وزرای سابق امور خارجه و نیز دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی، یکی از وجوه تمایز این تحقیق با کارهای مشابه در این حوزه را تشکیل می دهد.

هر چند ملاحظات خاص سیاسی، نظامی و امنیتی با توجه به شرایط موجود، موجب شد قسمت‌های زیادی از مطالب حذف و از آنها در این تحقیق بطور مستقیم استفاده نشود. اما در مجموع محتوای کلی مطالب عنوان شده در قسمت‌های مختلف، مورد استفاده واقع شده است؛ ضمن آنکه از این مصاحبه‌ها مجموعه‌ای ارزشمند از نظرات، تحلیل‌ها و خاطرات برای استفاده در پژوهش‌های بعدی باقی مانده است.

در طول مدت گرد آوری این اثر که نزدیک به دو سال به طول انجامید، سعی شد زوایای مختلف سیاست خارجی کشور مورد بررسی قرار گیرد، اما ذکر این نکته ضروریست که عوامل، ساختارها و مؤلفه‌های بسیاری در شکل دهی سیاست خارجی کشور دخیل هستند و این اثر نمی‌تواند مدعی باشد که در عرصه سیاست خارجی کشور، استقراء تام دارد. بلکه با توجه به مقدمات سعی شد با جمع آوری و تحلیل داده‌های خام بدست آمده از مصاحبه‌ها و

نیز آنچه در منابع مکتوب وجود دارد، به احصاء آنچه مشاهده شد پرداخته شود. بنابراین از کلیه اساتید، دست اندرکاران و پژوهندگان عرصه سیاست خارجی کشور دعوت به عمل می آید با نقدهای ارزشمند و سازنده خود در راستای غنای بیشتر اثر، نگارنده را مورد لطف خود قرار دهند.

این کتاب شامل مقدمه، چهار فصل و ارائه پیشنهادات می باشد. فصل اول به چارچوب نظری، اهداف و ماهیت کلی سیاست خارجی، ابزارهای تحقق سیاست خارجی و نحوه مطالعه سیاست خارجی پرداخته است.

در فصل دوم بسترهای شکل گیری سیاست خارجی ایران مورد بررسی قرار گرفته است. در این فصل رابطه سیاست خارجی و موقعیت ژئوپلیتیکی ایران به عنوان مهمترین بستر شکل گیری سیاست خارجی ایران مورد بررسی قرار گرفته است - موضوع مهمی که در مطالعات سیاست خارجی ایران کمتر به آن پرداخته شده است - و در ادامه، تأثیر عوامل ایدئولوژیکی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطالعه می شود. عوامل فرهنگی، اقتصادی، روانشناختی، سیاسی، امنیتی و نظامی از دیگر مباحثی است که در این فصل مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل سوم اهداف، مقاصد و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد مطالعه قرار گرفته است. در این فصل، اهداف و ماهیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون اساسی، سند چشم انداز ایران در سال ۱۴۰۴ و نیز بر اساس بیانات امام خمینی (ره) بنیانگذار انقلاب اسلامی، مورد بررسی قرار گرفته است و سعی شده است چارچوب مبانی نظری سیاست خارجی کشور اصول کلی، مبانی آرمانی و انقلابی، اهداف کاربردی و متناسب با شرایط و مقتضیات کشور در نظام بین الملل مورد پژوهش قرار گیرد.

در فصل چهارم ساختار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و نهادهای تأثیرگذار بر آن مورد مطالعه قرار گرفته است. در این فصل با توجه به ساختار پیچیده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نهادها و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن به دو دسته مؤلفه‌های مستقیم تأثیرگذار و مؤلفه‌های غیر مستقیم تأثیرگذار بر روند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تقسیم شده‌اند و زیر مجموعه آنها مورد بررسی قرار گرفته است.

در بخش آخر نیز به اجمال به ارائه برخی پیشنهادات در راستای بهره‌وری هرچه بیشتر در سیاست خارجی کشور پرداخته شده است.

بر خودم واجب میدانم از زحمات جناب آقای دکتر سیدکمال خرازی که مراحل مختلف پژوهش را با دقت و حوصله تحت نظر داشته و با توجه به سابقه اجرایی خود در راستای هدف اصلی کتاب که همانا پیوند مباحث تئوری با واقعیات عینی سیاست خارجه کشور بوده است، کمک شایانی داشته‌اند، تقدیر و تشکر بنمایم.

همچنین در قسمت‌های مختلف اثر از نظرات ارزشمند حاصل تجربه و کار علمی جناب آقای دکتر سید یحیی (رحیم) صفوی و اساتید گرامی جناب آقای دکتر محمد حسن خانی، جناب آقای دکتر سید محمد کاظم سجادی پور و جناب آقای دکتر اصغر افتخاری استفاده شده است که برغضای کار افزودند.

جدا از تمامی شخصیت‌ها، اساتید و صاحب نظرانی که با آنها مصاحبه داشته‌ام و نام آنها در آخر کتاب آمده است، از دیگر بزرگوارانی که بر خود واجب می‌دانم از آنان تشکرویه بنمایم، جناب آقای دکتر عباس ملک‌ی، جناب آقای صادق خرازی و جناب آقای دکتر محمود واعظی می‌باشند که نظرات مؤثر آنان باعث ارزشمند تر شدن اثر شده است. همچنین از استاد

۲۸ ♦ کالبد شکافی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

ارجمند جناب آقای دکتر سریع القلم که با نوشتن مقدمه کتاب بر غنای اثر
افزودند صمیمانه سپاس گذاری می نمایم.

در پایان از خانواده خود که با بردباری و حمایت خود مهم ترین سهم
را در راه تألیف این اثر داشته اند، قدردانی می نمایم.

فصل اوّل: _____

چارچوب نظری _____

(۱) ماهیت سیاست خارجی

در حالی که روابط بین الملل شامل روابط بین حکومتها، گروهها، سازمانها و حتی افراد کشورهای مختلف می‌گردد، سیاست خارجی تنها آن دسته از روابط را در برمی‌گیرد که حکومتها متصدی آن باشند (۱). به عبارتی دیگر، سیاست خارجی عبارت است از یک استراتژی یا یک سلسله اعمال از پیش طراحی شده توسط تصمیم‌گیران حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهدافی معین، در چارچوب منافع ملی و در محیط بین‌المللی است (۲).

بر طبق نظر ریمون آرون^۱، سیاست خارجی دولتها خود حاصل فعل و انفعالات جامعه داخلی است. اما شبکه‌ای از ارتباطات به هم فشرده نیز در سطح جهان به وجود می‌آورد که موجب همبستگی یا روابطی غیر از آنچه دولتها درگیر آن هستند، می‌شود. در نهایت می‌توان گفت که در مجموع، سیاست خارجی دنباله سیاست داخلی است. بر این مبنا، مختصات نظام

1. Raymond Aron.

۳۲ ♦ کالبد شکافی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

سیاسی از لحاظ ساختاری و رفتاری می تواند نقش مؤثری در شیوه تبیین منافع، استراتژیها و اهداف ایفا کند (۳).

سیاست خارجی در معنای امروزی آن، همزاد و همراه «دولت ملی» است. البته «سیاست خارجی» دارای قدمتی به اندازه قدمت نخستین روابط میان جوامع اولیه است. اما در شکل امروزی آن، از زمان ظهور نظام دولتهای اروپایی در سده هفدهم، بوجود آمده است. سیاست خارجی در معنای امروزی آن، به دنبال حق «حاکمیت»^۱ دولتها مطرح می شود. به گفته هانس مورگنتا:^۲

«سیاست خارجی کشورها، در حقیقت ملی نبود، بلکه دودمانی محسوب می شد و با قدرت و خط مشی های فرد پادشاه همراستا بود، اما قدرت و سیاستهای یک تجمع مانند ملت، را در بر نمی گرفت. همانگونه که گوتته در قطعه ای ارزشمند از زندگی خود می گوید: «همه ما برای فردریک (کبیر) ابزار احساسات می کردیم، اما به پروس اهمیتی نمی دادیم» (۴).

از انقلاب فرانسه به بعد که ملی گرایی،^۳ خواسته های دولت و ملت را به هم نزدیک کرد، سیاست خارجی نیز به تدریج با خواسته ها و احساسات ملی در آمیخته شد. می توان گفت: «همزمان با جنگهای ناپلئونی، دوره جنگها و سیاستهای خارجی ملی آغاز شد؛ یعنی احساس یگانگی توده های عظیم شهروندان یک ملت با قدرت ملی و سیاستهای ملی جایگزین احساس یگانگی با منافع دودمانی شد». به عقیده مورگنتا: «تالیران هنگامی که در سال

1. Sovereignty.

2. Hans Morgenthau.

3. Nationalism.

فصل اول: چارچوب نظری ♦ ۳۳

۱۸۰۸ به الکساندر، تزار روسیه، گفت: «راین، آلپ و پیرنه، فتوحات فرانسه هستند و بقیه فتوحات امپراتور، معنایی برای فرانسه ندارد»، به این تحول اشاره می‌کند» (۵).

تا پایان قرن نوزدهم، به تدریج درصد بیشتری از مردم، درگیر مسائل حادّ سیاست خارجی شدند و این روند رشد، همپای تحولات و روند تکاملی دولتهای ملّی و ملّی‌گرایی، همچنان ادامه یافته و سیاست خارجی قرن بیستم، بیشتر دموکراتیک گردید؛ چرا که از یک سو، اهمّیت افکار عمومی از سالهای پیش از ۱۹۴۰ بیشتر شده است و از سویی دیگر، سیاست باید بهبود شرایط زندگی مردم را همراه با هدفهای ستّی کشورداری در نظر گیرد.

با فرا رسیدن جهان دو قطبی و صف بندی اردوگاه سرمایه داری در مقابل اردوگاه کمونیسم و نیز جهان سوم، سیاست خارجی، به خصوص در کشورهای پیشرفته، به شدّت پیچیده تر شد و از شکل ستّی آن فاصله گرفت. به عنوان نمونه، در ۱۹۷۲، جهت هماهنگی سیاستها و عملکردهای نظام سرمایه‌داری بین الملل؛ به رهبری و پیشنهاد آمریکا، کمیسیون سه جانبه‌ای متشکل از آمریکای شمالی، ژاپن و اروپای غربی تشکیل شد. هم‌اکنون این نهاد سیاسی - اقتصادی کشورهای صنعتی، بیش از ۴۰ عضو دارد و به منظور هماهنگی سیاستها، جلساتی را در نیویورک، مقرّ این نهاد، برگزار می‌کند. در واقع، هدف اصلی این سازمان، دستیابی به اجماع نظر خصوصی در مسایل مهم تصمیم‌گیری توسط هیأت‌های حاکمه کشورهای صنعتی است (۶).

اما با وجود پیچیده تر شدن و تخصّصی تر شدن مقوله سیاست خارجی و اختصاص یافتن روزافزون آن به نخبگان سیاسی و غرق شدن هر چه بیشتر مردم در مصرف و سرگرمیهای روزانه معمولی غیر سیاسی، ملّتها در دهه‌های آخر قرن بیستم نیز همچنان پیوندهای مستحکمی را با سیاست

خارجی دولت خود نشان می دهند. این پدیده می تواند علل مختلفی داشته باشد، اما در اینجا به آنچه مورگنتا در این باره گفته است، اکتفا می کنیم: «در ربع آخر قرن بیستم، سرخوردگیها و اضطرابهای شدید فردی موجب احساس یگانگی شدیدتر فرد، با قدرت و سیاست خارجی ملت شده است. تکمیل و تشدید [این] احساس یگانگی یکی از بنیانهای خشونت و بی رحمی سیاستهای خارجی نوین است که قدرت طلبی های ملی در آنها با یکدیگر تصادم پیدا می کند و تقریباً همه مردم با فداکاری بی قید و شرط و احساسات شدیدی که در ادوار پیشین تاریخ تنها در مسایل مذهبی حاکم بود، از این سیاستهای خارجی حمایت می نمایند» (۷).

۲) چارچوب تحقیق

برای بررسی و تحلیل ساختار، فرآیند تصمیم سازی و مؤلفه های تأثیر گذار بر روند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به یک الگوی تحلیلی مناسب و تئوری تحلیلی نیازمندیم تا بکمک آن ساختار و شاخصه های سیاست خارجی کشور را مورد بررسی قرار دهیم. بدین منظور از رهگذر بررسی چهار الگوی عمومی "ایستن"، "هرمان"، "کیگلی" و "هیلزمن" تلاش می شود تا مبانی نظری که این پژوهش بر مبنای آنها شکل گرفته است، عرضه گردد.

پس از جنگ جهانی دوم، طرفداران مکتب کارکردگرایی ساختاری^۱، دولتها را سیستم هایی فرض کردند که میل به بقا دارند (۸). یعنی از طریق ساز و کارهای تعادل گرای پویا، ساختار خود را محفوظ می دارند و یا در صورت لزوم برای رسیدن به حالت مانا^۲، دست به تغییر ساختاری

1. Structural-Functionalism.

2. Steady State.

فصل اول: چارچوب نظری ♦ ۳۵

می‌زنند(۹). همین ویژگی، به کارگیری مفهوم تجدید ساختار^۱ را برای سیستمهای سیاسی، برآورده تر از تعادل گرایی^۲ (که خاص سیستمهای فیزیولوژیک است) کرده است.

۲-۱) الگوی تحلیل سیستمی دیوید ایستن

در این الگو مجموعه تقاضاها و حمایت‌ها از محیط وارد ساختار و نظام سیاسی می‌شود، در آنجا پروسه تحلیل و اثر گذاری نیروهای مختلف طی می‌شود و نهایتاً تصمیمات اتخاذ شده و رفتارهای نظام سیاسی در محیط بین‌الملل را شامل می‌شود. اثرات و نتایج حاصل از این پروسه در محیط و بازخوردهای آنها مجدداً بصورت ورودی در سیستم قرار می‌گیرد و موجب تثبیت، اصلاح و یا بازنگری در فرآیند تصمیم‌گیری می‌شود. چارچوب نگرش سیستمی، توسط دیوید ایستن در شکل صفحه بعد به نمایش گذاشته شده است. (۱۰)

1. Morphogenesis.
2. Homeostasis.